

نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس (۸ اوت ۱۹۱۵ م / ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ ه. ق)

● دکتر عبدالکریم مشایخی*

۱۱

تاریخ جدید بوشهر، با پادشاهی نادرشاه افشار (۱۷۴۷-۱۷۳۶ م / ۱۱۶۰-۱۱۴۹ ه. ق) آغاز می‌شود. سیاست دریایی نادر در مبارزه با عثمانی‌ها و گسترش قلمرو دریایی در خلیج فارس موجب توجه به این بندر و توسعه آن گردید.

بوشهر، در طول سلطنت کریم‌خان زند (۱۷۷۹-۱۷۵۷ م / ۱۱۹۳-۱۱۷۱ ه. ق) بر بندرعباس و بندر ریگ، دو رقیب عمده خویش، برتری یافت و تا پایان قرن هجدهم با تصرف بصره توسط قوای زندیه، بندر اصلی و عمده سراسر خلیج فارس گردید. از آنجا که ترقی بوشهر در اواخر قرن هجدهم، با گسترش مطامع استعماری انگلستان در خلیج فارس همزمان بود، لذا موقعیت ممتاز و بی نظیر بوشهر از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد توجه انگلستان قرار گرفت.^۱

انگلیسی‌ها در سال ۱۸۱۲م نمایندگی سیاسی خود را در بوشهر تأسیس کردند و از آن پس تا حدود یک قرن به طور مستمر به افزایش نفوذ خود در خلیج فارس مشغول بودند.^۲

کم‌کم شیخ‌نشین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس تابع انگلستان شدند و این در حالی بود که دولت وقت ایران به دلیل ضعف روزافزون کمتر به خلیج فارس توجه می‌نمود. لذا سیاست و تجاوز انگلستان در بخش اعظم قرن نوزدهم در خلیج فارس جریان داشت و مرکز هدایت آن نیز بوشهر بود.

در اواسط قرن نوزدهم دو تحول عمده اوضاع خلیج فارس را به آرامی دگرگون ساخت.

اول تأسیس حکمرانی بنادر و جزایر خلیج فارس با مرکزیت بوشهر بود که به دولت ایران امکان نظارت مستقیم‌تری بر سواحل خود در خلیج فارس می‌داد؛ دوم به قدرت رسیدن مدحت پاشا در عراق که از جمله اقدامات او توسعه و تقویت دریانوردی و بازرگانی بصره بود، که اگر چه می‌توانست به گسترش تجارت انگلستان در بین‌النهرین منجر شود، اما به دلیل آنکه سرانجام در اواخر قرن نوزدهم میلادی دولت عثمانی به سمت امپراطوری آلمان گرایش نشان داد، به ضرر انگلستان تمام شد.

تا اوایل قرن بیستم، نفوذ سیاسی و اقتصادی آلمان از طریق عثمانی و بندر بصره در خلیج فارس گسترش فوق‌العاده‌ای یافت، آنچنان که آلمانی‌ها در صدد احداث راه‌آهن برلین - بغداد و ادامه آن به بصره و کویت برآمدند.^۳

همچنان که بصره در اواخر قرن نوزدهم توسعه یافت، بوشهر نیز ترقیات اقتصادی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای می‌نمود. در سراسر این قرن، بوشهر مقام خود را به عنوان بندر اصلی ایران حفظ کرد. بوشهر در حقیقت دروازه جنوبی ایران بود و انگلستان در شرایط سیاسی حاد با فشار آوردن بر آن، دولت قاجاریه را به تمکین در برابر خواست‌های خود وادار می‌نمود؛ رخدادهای سال‌های ۱۸۳۸م (درگیری سرهنگ هنل قنصل انگلیس با مردم بوشهر)^۴ و ۱۸۵۶م (مسئله هرات و لشکرکشی انگلیس به بوشهر) از نمونه‌های بارز آن است.^۵ با این حال انگلیسی‌ها همچنان به بهره‌برداری از موقعیت تجاری و ارتباطی بوشهر ادامه دادند، چنان که در دهه ۱۸۶۰م خط تلگراف هند و اروپا را از طریق بوشهر احداث کردند که در طول سالیان طولانی فعالیت این خط، بوشهر از مهمترین پایگاه‌های آن بود. این امر بر اهمیت خلیج فارس برای انگلیسی‌ها افزود و در همین ایام افتتاح کانال سوئز هم، امکان دسترسی انگلیسی‌ها به بازار خلیج فارس را افزایش داد.

در مجموع موقعیت برتر انگلیسی‌ها در خلیج فارس در نیمه دوم قرن نوزدهم اساساً متکی به توسعه بندر بوشهر بود و این شهر بندری نیز به واسطه برقراری ارتباط تجاری میان نواحی داخلی ایران و خلیج فارس توسعه طبیعی خود را طی می‌کرد.

اما در اواخر همین قرن اهمیت اقتصادی و سیاسی خلیج فارس نظر دیگر دولت‌های بزرگ را نیز به خود جلب کرد. روس‌ها، آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها و ترک‌های عثمانی تا سال ۱۹۰۱م دفاتر کنسولی خود را در بوشهر افتتاح کردند و بوشهر اهمیتی بین‌المللی یافت و کشتی‌های آلمانی، روسی و فرانسوی رفت و آمد خود را به بوشهر آغاز نمودند.^۶ روسها در همه معاهدات خود با انگلستان و نیز در رقابت با آن کشور، به خلیج فارس می‌نگریستند. در مقابل انگلیسی‌ها با تسلط بر امور گمرکی سعی در حفظ موقعیت تجاری خود داشتند؛ اما

نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر...

آلمانی‌ها با گسترش فعالیت‌های تجاری و افتتاح خطوط کشتیرانی عرصه را بر انگلیسی‌ها تنگ می‌کردند. خرید چند کشتی از آلمان توسط ایران از جمله کشتی مظفری و پرسپولیس و سرانجام شروع فعالیت‌های کمپانی ونکهاوس آلمانی (۱۸۹۶م) و توسعه سریع فعالیت آن در سواحل ایرانی خلیج فارس، انگلیسی‌ها را سخت به تنگنا انداخت.^۷

در مقابل این اقدامات انگلستان همچنان به حفظ موقعیت خود در بوشهر امید بسته بود. در هیچ جای خلیج فارس بندری وجود نداشت که در دسترسی به بازارهای وسیع داخلی ایران مانند بوشهر از امکانات ارتباطی و مواصلاتی جدید برخوردار باشد.

بصره نیز در دست جبهه مقابل و مخالف انگلستان قرار داشت. به همین سبب در اوایل قرن بیستم در پشت ظاهری آرام، بوشهر و مناطق اطراف آن به خصوص در امتداد جاده تجاری بوشهر - شیراز، عرصه رقابت میان نیروهای مختلف داخلی و خارجی شد. انگلستان در این میان آلمان را رقیب اصلی خود می‌دید و نیروهای بومی نیز با محاسبه منافع محلی یا اندیشه‌های ملی خود به تعیین مواضع خویش مشغول شدند.

رخدادهای انقلاب مشروطه در جنوب ایران، به خصوص در اواخر دوران استبداد صغیر و به سال ۱۹۰۹م/۱۳۲۷هـ.ق به ضرر انگلستان سیر نمود. به طور کلی مواضع و عملکرد انگلستان در قبال رخدادهای مشروطه‌خواهی در جنوب ایران با تهران متفاوت بود. در جنوب ایران روس‌ها حضور فعال و وسیع نداشتند، لذا ابعاد ضداجنبی انقلاب مشروطه اساساً متوجه انگلستان می‌شد. نارضایتی تجار محلی از سلطه انگلیسی‌ها بر امور اقتصادی بوشهر با توجه به شرایط تجاری مطلوب‌تری که کمپانی ونکهاوس ارائه می‌داد، تشدید می‌شد. طبقات فرودین جامعه بوشهر از جمله کارگران بندر نیز همیشه مخل اقدامات انگلیسی‌ها بودند. کارگران بندری بوشهر اغلب مهاجران تنگستانی بودند. آنان نیز به عنوان گروهی که بارها در امور سیاسی بوشهر مداخله کرده و اسباب شکست و در دسر انگلیسی‌ها را فراهم نموده بودند، به مخالفت خود با بیگانگان ادامه می‌دادند. با استفاده از چنین شرایطی رئیس‌علی دلواری به سال ۱۹۰۹م/۱۳۲۷هـ.ق در پیوند با قیام عمومی مردم علیه استبداد صغیر همراه با آیت‌الله سیدمرتضی اهرمی علم‌الهدی^۸ که در بوشهر زندگی می‌کرد، به یاری مردم شتافته و بوشهر را تصرف کرد.^۹

آن دو با اطلاع از مواضع ملی تجار ایرانی درصدد تسلط بر گمرک برآمدند، اما انگلیسی‌ها درآمد گمرکات جنوب را در قبال مطالبات خود از دولت ایران در گرو خود داشتند، درصدد مقابله برآمدند و حتی تهدید به استفاده از نیروی نظامی علیه بوشهر نمودند.

ایستادگی انگلستان در برابر نیروهای ملی و اسلامی در رخدادهای مشروطه‌خواهی بوشهر، آنان را به سرعت در موضع مخالف با انگلستان قرار داد. تجار ساکن بوشهر که در



بوشهر قديم

نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر...



بصره قدیم

این زمان آگاه‌تر شده بودند، با نیروهای اصیل مردمی - مذهبی مانند رئیس‌علی دلواری و آیت‌الله سیدعبدالله بلادی^{۱۰} (صاحب اثر ارزشمند لوایح و سوانح) ارتباط نزدیکی برقرار ساختند و نیروهای قابل توجه فرهنگی بوشهر که محصول «مدرسه سعادت» و گسترش فعالیت‌های مطبوعاتی و فکری مانند روزنامه مظفری و انجمن‌های سیاسی در بوشهر بود، نیز به نحو مؤثری قدم در میدان تلاش نهاد. مقابله سیاسی - اقتصادی نیروهای ملی و اسلامی بوشهر با استعمار در آستانه جنگ جهانی اول، با فعالیت‌های گسترده‌تر نمایندگی آلمان به خصوص واسموس مقارن گشت و نامبرده با فراست دریافت که بوشهر از کانون‌های مهم ضداستعماری ایران، و منازل اصلی ارتباطی آن با شیراز، برازجان، کازرون و نواحی اطراف یعنی تنگستان و دشتی است. پیدایش این کانون‌های فعالیت ضداستعماری به هیچ‌وجه حاصل اقدامات آلمانی‌ها نبود، اما شکی نبود که آنان می‌توانستند در محاسبات خود بر آن انگشت گذارند.

با شروع جنگ جهانی اول و پیوستن عثمانی به اتحاد مثلث، انگلستان در خلیج فارس وضع را در خلیج فارس بسیار خطرناک یافت. از یک سو مواضع خط مقدم مرزهای عثمانی به منابع نفتی خوزستان، که انگلستان دارای امتیاز بهره‌برداری آنها بوده و در چنین شرایطی برای تأمین سوخت نیروی دریایی خود سخت بدان احتیاج داشت، نزدیک بود؛ و از سوی دیگر بوشهر به عنوان بارزترین نقطه ارتباطی، اقتصادی و سیاسی خلیج فارس کانون فعالیت‌های شدید ضدانگلیسی شده بود.

برای آنکه وضع خلیج فارس بیش از این برای منافع بریتانیا خطرناک نگردد و نیز به عنوان بخشی از عملیات علیه عثمانی در بین‌النهرین، انگلیسی‌ها به فاو حمله‌ور شدند و سرانجام بصره را تصرف کردند و به پیشروی در خاک عثمانی ادامه دادند. عملیات در بین‌النهرین از مرکز فرماندهی و تدارکاتی بوشهر هدایت می‌شد و انگلیسی‌ها به شدت محتاج تسلط بر اوضاع بوشهر و کنترل آن بودند. اما چون فتاوای علمای عراق در برانگیختن مردم مسلمان علیه بریتانیا در بوشهر انعکاس وسیعی می‌یافت، از این بابت سخت در هراس و عذاب به سر می‌بردند. لذا علی‌رغم آنکه دولت ایران بی‌طرفی خود را در ۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۳۲/اول نوامبر ۱۹۱۴ اعلام کرده بود، مکرراً با دخالت در امور اداری و انتظامی بوشهر آن را نقض می‌کردند، زیرا به خوبی می‌دانستند که تسلط بر خلیج فارس یعنی تسلط بر بوشهر؛ آنچنان که می‌توان گفت اولین مورد نقض بی‌طرفی ایران در بوشهر صورت گرفت و بالطبع نیروهای ملی و مذهبی منطقه را به واکنش شدید واداشت. مشکل انگلیسی‌ها در مورد بوشهر فقط سکنه شهرنشین و جمعیت تاجر و روشنفکر و ساخولی ژاندارم آنجا نبود، بلکه روستاهای

نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر...

مرکزی و جنوبی شبه‌جزیره و به خصوص حومه آن (ری‌شهر و بهمنی) که خطوط تلگراف و پادگان انگلیسی در آنجا واقع بود، مشکل اساسی به شمار می‌آمد. لذا با اقدامی علیه حاج‌علی تنگکی^{۱۱} کدخدای حومه بوشهر سعی نمودند، کنترل شبه‌جزیره را به دست آورند. ۱۲ از آنجا که حاج‌علی با رئیس‌علی و رؤسای تنگستان پیوند داشت، با استفاده از امکانات او حملاتی علیه انگلیسی‌ها صورت می‌گرفت. در مقابل حمله به حاج‌علی تنگکی و اسارت او بعد از مقاومت شجاعانه‌اش در محله امام‌زاده بوشهر، رئیس‌علی و دیگر رؤسای وطنخواه جنوب اعتراض کردند و به عملیات تلافی‌جویانه متوسل شدند. این اقدامات چون با واقعه تعقیب و اسموس و همراهش لیندرز و دستگیری دو تن از اتباع آلمان از جمله دکتر لیسترمن کنسول آلمان و آیزنهوت در بوشهر همراه شد، واکنش‌های شدیدتری را به دنبال آورد. اقدامات انگلستان علیه مأموران آلمانی با اعتراض دولت ایران مواجه شد، اما در هیچ کجا مانند بوشهر اعتراضات وسیع و پیگیرانه‌ای در پی نداشت.

پس از اسارت کنسول و تاجر آلمانی مردم بوشهر در اجتماعی پرشور به نقض حاکمیت و بی‌طرفی ایران اعتراض کردند و خواهان اقدامات جدی و فوری دولت شدند. موقرال‌دوله حاکم وقت بوشهر در تلگرافی به تاریخ ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ه.ق به تهران، نظریات بوشهریان را چنین گزارش کرد:

الساعه که نیم ساعت به ظهر مانده از مسجد نو بوشهر برگشتم، هیجان عمومی به درجه‌ای است که فوق تصور است. چنین ازدحامی در بوشهر هرگز دست نداده بود و کل علما و عموم طبقات اهالی حضور داشته، ملخص خطابه علما این بود که سه سال است بدون اینکه هیچ ضرر مالی و جانی از بنادر به انگلیس رسیده باشد در آنجا اخلال کرده و عده قشون نگاه داشته و حالا هم هتک حرمت و نقض بی‌طرفی دولت را کرده.

موقرال‌دوله سپس می‌افزاید که آنان گفته‌اند: «دست از حقوق مشروع بر نمی‌داریم و اگر ما را بکشند ایلات و عشایر و اهالی غیور جنوب زنده هستند و به وظیفه اسلامیت و ایرانیت رفتار خواهند کرد... حالیه مردم منتظر نتیجه هستند... و هیچ شبهه نیست که باز اجتماع خواهند کرد.»^{۱۳} با چنین اوضاعی انگلستان بوشهر را بسیار خطرناک یافت. صرف‌نظر کردن از بوشهر در این زمان به معنای به خطر افتادن منافع سیاسی و اقتصادی انگلستان بود. در مورد اوضاع عمومی فارس و مواضع دولت ایران نیز انگلستان ناامید بود. لذا در تاریخ ۸ اوت ۱۹۱۵ م مطابق با ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ ه.ق بوشهر را اشغال کرد و روز بعد اعلامیه‌ای بدین‌گونه در شهر بوشهر منتشر شد:

دولت اعلیحضرت بریتانیا دستوراتی صادر کرده است که نیروهای حاضر در بوشهر



پوشہر

نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر...



بوشهر

بلافاصله شهر را اشغال کنند، اداره امور شهر را به عهده گیرند و ادارات گمرک را به کنترل درآوردند.

این اقدام توسط دولت اعلیحضرت صورت گرفته آن هم به علت ضرورتی که کراهتاً مجبور به انجام آن شده است. زیرا دولت ایران نمی تواند بیش از این نظم و امنیت را در شهر بوشهر و حوالی آن تأمین کند. ضرورتی که به واسطه حمله اسفبار اخیر ایلات به بوشهر که در آن دو افسر انگلیسی کشته و سه سرباز مجروح شدند، مجدداً تأیید شده است.

شرایط آنچنان است که دولت بریتانیا نمی تواند آن را تحمل کند و ناگزیر به چنین اقدامی مبادرت ورزید که ممکن است برای حفظ منافع ضروری باشد، و اشغال بوشهر تا زمانی که دولت ایران تعهد غرامت کامل را از دسته های مقصر در حمله اخیر مطالبه کرده و سایر تقاضاهای دولت بریتانیا را اجابت کند، ادامه خواهد یافت.

طبق دستورات صادره از طرف دولت بریتانیا، اهالی جزیره [شبه جزیره] بوشهر و مناطق اطراف بایستی توجه داشته باشند که از امروز شخصاً تمام امور حکومتی را از طرف دولت بریتانیا به عهده می گیرم.

سرگرد ا. پ. ترور Major A.P.Trever فرمانده حکومت نظامی از طرف دولت بریتانیا^{۱۴} عملیات اشغال بوشهر از زمین و دریا با حمایت توپخانه ناوگان دریایی صورت گرفت. ناوچه توپدار مظفری و دو قایق مسلح آذربایجان و مازندران ضبط گردیدند. اولین اقدام انگلیسی ها انتشار تمبری بود که روی آن این جمله چاپ شده بود: «بوشهر در تصرف بریتانیا» شهر اشغال شد و ضمن خلع سلاح نیروی نظامی محلی عملیات گسترده ای برای دستگیری رهبران آزادیخواه و وطن دوست بوشهری صورت گرفت.

انگلستان از بقیه آزادیخواهان نیز با تحمل مشکلات بسیار از بوشهر و چنگال نیروهای انگلیسی گریخته به صفوف مبارزان دشتی، دشتستان و تنگستان پیوستند.^{۱۵}

انگلستان از اشغال بوشهر اهداف متعددی را تعقیب می کرد. از جمله آنها تحقق کامل اهداف استعماری انگلستان در خلیج فارس به خصوص انحصار تجارت جنوب ایران، همچنین وارد ساختن فشار اقتصادی بر تجار محلی و نیروهای مقاوم تنگستانی، چاه کوتاهی و برازجانی بود زیرا ممر اصلی اقتصاد مردم این نواحی از تجارت بوشهر بود.

همچنین تأمین امنیت فرماندهی خلیج فارس از جمله اهداف آن بود. مورد اخیر با حملات پی در پی رئیسعلی دلواری و سپس نیروهای تنگستانی، دشتستانی و دشتی و داوطلبان ژاندارم دچار نابسامانی بسیار شد. انگلیسی ها با اشغال سراسیمه شبه جزیره بوشهر و مسدود ساختن گلوگاه ورودی آن با سیم خاردار و پست نگهبانی، کوشیدند امنیت نیروهای خود را تأمین

نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر...



اولین اقدام انگلیسی‌ها انتشار تمبری بود که روی آن نوشته شده بود: «بوشهر در تصرف بریتانیا»

کنند، اما حملات شبانه به آنان ادامه یافت. در مقابل خط تلگرافی بوشهر به شیراز نیز توسط نیروهای ملی قطع گردید. شیخ حسین چاه‌کوتاهی، میرزا محمدخان برازجانی و زائر خضرخان اهرمی نیز با استقرار نیروهای خود در چغادک عملاً انگلیسی‌ها را در بوشهر محصور و محدود نمودند. انگلیسی‌ها صرفاً با آتش مسلسل و قدرت توپخانه در پشت سنگرهایی که با نورافکن و سیم خاردار حفاظت می‌شد قادر به ایستادگی شدند.^{۱۶}

با اشغال بوشهر برای مدتی کانون سازماندهی مقاومت به برازجان منتقل شد. امکانات ارتباطی و توان اقتصادی دشتستان این امکان را می‌داد که فعالیت‌های مبارزان جنوب از آنجا به شیراز و تهران مخابره شود و مشکلات مسدود بودن راه تجاری بوشهر نیز تا حدودی قابل تحمل گردد. مجاهدان داوطلب شیرازی به رهبری آیت‌الله محلاتی و نیز نیروهای ژاندارم به همراه دیگر نیروهای محلی در آنجا اجتماع کرده آماده حمله به بوشهر می‌شدند. فشارهای نیروهای محلی و مشکلات انگلیسی‌ها در اداره و کنترل بوشهر آنان را واداشت که سرانجام از ادامه اشغال بوشهر صرف‌نظر کنند. آنان در همان زمان اعتراف کردند که حسابشان در مورد اشغال بوشهر اشتباه از آب درآمده و اکنون ناچارند که به حاکمیت دولت ایران اعتراف نمایند.

این امر ممکن نبود مگر به واسطه مقاومت گسترده و مستمر نیروهای وطن‌خواه بوشهر، دشتستان، تنگستان و دشتی. در نتیجه مدتی پس از اشغال بوشهر، به ناچار طی توافقی با دولت ایران و ایالت فارس با انتصاب حکمرانی ایرانی برای بوشهر موافقت کردند. پرچم ایران در اکتبر ۱۹۱۵م در بوشهر برافراشته شد و حاکمیت ایران بار دیگر بر این خاک ارجمند و عزیز برقرار گشت.

منابع

- برومند، صفورا، سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲- مشایخی، عبدالکریم، عیسویان در بوشهر، انتشارات بوشهر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۳- ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، انتشارات پازنگ، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- حسینی فسایی، میرزا حسن، فارسنامه ناصری، به کوشش منصور رستگارفسایی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷، ج ۱.
- داد، گرنی، لشکرکشی انگلیس به ایران، ترجمه حسن زنگنه، چاپخانه علوی بوشهر، ۱۳۷۳؛ هنت، ج.ا.چ، جنگ ایران و انگلیس، ترجمه حسین سعادت‌نوری، به کوشش

نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر...

- عباس اقبال، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی (کبابی)، بندرعباس و خلیج فارس، دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- گرکه، اولریخ، پیش به سوی شرق، ترجمه پرویز صدری، چاپ رامین، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- گزارش‌های سالانه سرپرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، انتشارات پروین، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، کاوه بیات، مؤسسه فرهنگی همسایه با همکاری بوشهرشناسی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- سپهر، احمدعلی (مورخ‌الدوله)، ایران در جنگ بزرگ (۱۸-۱۹۱۴م)، چاپخانه طوفان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- مجموعه مقالات کنگره رئیس‌علی دلواری، مقاله بوشهر در تصرف انگلیسی‌ها، دکتر تنهاتن ناصر، به کوشش سیدمحمدحسن نبوی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، دلیران تنگستانی، انتشارات اقبال، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۰.
- مابریلی، جیمز، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، انتشارات رسا، چاپ اول، ۱۳۶۹.

پانوشتها

- * مدرس تاریخ دانشگاه‌های بوشهر.
- ۱- برومند، صفورا، سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۴۱.
- ۲- مشایخی، عبدالکریم، عیسویان در بوشهر، انتشارات بوشهر، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۷.
- ۳- ذوقی، ایرج، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، انتشارات پازنگ، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۲.
- ۴- حسینی فسایی، میرزاحسن، فارسنامه ناصری، به کوشش منصور رستگارفسایی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۷۶.
- ۵- در این زمینه رک: داد، گرنی، لشکرکشی انگلیس به ایران، ترجمه حسن زنگنه، چاپخانه علوی بوشهر، ۱۳۷۳؛ هنت،

- ج.ا.ج، جنگ ایران و انگلیس، ترجمه حسین سعادت‌نوری، به کوشش عباس اقبال، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲.
- ۶- سدیدالسلطنه، محمدعلی (کبابی)، بندرعباس و خلیج فارس، دنیای کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۶۲۷.
- ۷- گرکه، اولریخ، پیش به سوی شرق، ترجمه پرویز صدری، چاپ رامین، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳۵.
- ۸- سیدمرتضی فرزند سیدجعفر فرزند سیدمیرباقر از آزادی‌خواهان و مجتهدین معاصر ملقب به علم‌الهدی در اهرم (تنگستان) متولد و نشو و نما یافته است. او علوم دینی را در محضر علماء و مراجع بزرگ نجف از جمله آخوند ملامحمدکاظم خراسانی به اتمام رسانده و به درجه اجتهاد نائل آمده و به بوشهر بازگشت. در سال‌های استبداد صغیر (محمدعلی‌شاه) رهبری مخالفین و مردم بوشهر را با استناد به توصیه سیدعبدالحسین مجتهد لاری به عهده گرفت. با همکاری آزادی‌خواهان و حمایت شهید رئیسعلی دلواری اداره شهر بوشهر به دست سید و یارانش افتاد. دولت، احمدخان دریابگی را مأمور قلع و قمع سید کرد. او با عده‌ای سرباز به خانه سید حمله و پس از دستگیری او را به عتبات تبعید کردند. سید پس از عزل محمدعلی‌شاه به بوشهر مراجعت کرد و همچنان به مبارزه با دولت انگلیس و اعوان و انصارش ادامه داد.
- سیدمرتضی علم‌الهدی در سال ۱۳۱۵ شمسی دعوت حق را لبیک گفت.
- ۹- گزارش‌های سالانه سر پرسی کاکس سرکنسول انگلیس در بوشهر، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، انتشارات پروین، چاپ اول، ۱۳۷۷، همچنین: مشایخی، عبدالکریم، بوشهر در انقلاب مشروطیت، معاصرپژوهان با همکاری بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۱۰- آیت‌الله سیدعبدالله مجتهد بلادی بوشهری فرزند سلطان‌العلماء حاج سیدابوالقاسم بوشهری از فقها و دانشمندان برجسته منطقه جنوب کشور قبل از ظهر پنجشنبه دوم جمادی‌الثانی ۱۲۹۱ هـ ق در نجف اشرف متولد شد. آموزش‌های اولیه را نزد پدرش و خواندن قرآن را نزد زنی به نام ملامعصومه فراگرفت. در سال ۱۳۰۰ هـ ق در حالی که ۹ سال بیشتر نداشت به بوشهر آمد و دروس مقدماتی و حوزوی را دنبال کرد و علاوه بر آنها، علم طب و ریاضیات و پزشکی و زبان انگلیسی را نیز نزد استادان فن آموخت. مجدداً برای ادامه تحصیل به نجف رفت و نزد علمای طراز اول شیعه دروس سطح و دوره خارج فقه را طی کرد.
- هنگام اشغال بوشهر در سال ۱۳۳۳ هـ ق با رئیسعلی دلواری و سایر مبارزان علیه هجوم انگلیسی‌ها همکاری کرد و پس از این که از طرف آنان تحت فشار قرار گرفت به شیراز رفت و به مدت ۷ سال در آن شهر ماند و ضمن ادامه فعالیت‌های سیاسی خود به تألیف کتاب و نوشتن مقاله پرداخت. برخی از کتاب‌های بلادی در مخالفت با مظالم حکومت‌های قاجار و پهلوی و کشف حجاب می‌باشد. آیت‌الله بلادی پس از عمری تلاش و مجاهده بر اثر ابتلاء به بیماری آنفولانزا در روز دوشنبه ۲۳ محرم‌الحرام سال ۱۳۷۲ هـ ق برابر ۲۱ مهرماه ۱۳۳۱ هـ ش بر اثر سکنه قلبی در شهر بوشهر درگذشت.
- بلادی از علمای فعال، مجاهد و پرکار بود. او در عمر ۸۱ ساله خود بالغ بر ۶۰ جلد کتاب و رساله به رشته تحریر درآورد. وی هر ده سال یک عکس می‌گرفته و هم‌اکنون عکس‌های سنین ۱۷ تا ۷۷ سالگی وی موجود است.
- ۱۱- حاج‌علی‌ری‌شهری تنگی، مشهور به کلانتر، کدخدای تنگک دوم از مجاهدان و مبارزانی است که به دنبال اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس در سال ۱۳۳۳ هـ ق با کمک همراهان خود به مبارزه با آنان پرداخت و ارتباط‌های تنگاتنگی با مبارزان دشتی و تنگستانی داشت. روحیه ظلم‌ستیزی او سبب گردید که نیروهای انگلیسی به روستای تنگک هجوم برده و بعد از چند ساعت جنگ، سرانجام او را زخمی کرده و پس از دستگیری در محله امام‌زاده بوشهر به شهر تانه هندوستان تبعید نمایند.
- حاج‌علی به مدت یک سال در تبعید به سر برد. سرانجام ضمن توافقی‌نامه‌ای که بین تریور بالیوز انگلیس با زائر خضرخان و شیخ‌حسین چاه‌کوتاهی منعقد شد، با گروه‌گان‌های انگلیسی مبادله و سرانجام به زادگاه خود بوشهر مراجعت نمود.
- ۱۲- اسناد جنگ جهانی اول در جنوب ایران، کاوه بیات، مؤسسه فرهنگی همسایه با همکاری بوشهرشناسی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰.
- ۱۳- سپهر، احمدعلی (مورخ‌الدوله)، ایران در جنگ بزرگ (۱۸-۱۹۱۴م)، چاپخانه طوفان، تهران، چاپ دوم،

نقض بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر...

۱۳۶۲، ص ۹۷.

- ۱۴- مجموعه مقالات کنگره رئیس‌علی دلواری، مقاله بوشهر در تصرف انگلیسی‌ها، دکتر تنهاتن ناصری، به کوشش سیدمحمدحسن نبوی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۸۶.
- ۱۵- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، دلیران تنگستانی، انتشارات اقبال، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۰، ص ۱۰۰.
- ۱۶- مابری، جیمز، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، انتشارات رسا، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۳۸.

